

ترجمه پاسخ آیت الله العظمی منتظری به پرسشهای پایگاه اینترنتی چهارده معصوم

﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على اشرف الانبياء والمرسلين
ابي القاسم محمد صلى الله عليه وآله وسلم واللجنة على اعدائهم الى قيام يوم الدين.

حضور محترم مرجع تقلید آیت الله العظمی منتظری (دام ظلّه العالی)

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

از پایگاه اینترنتی چهارده معصوم (ع) و از برنامه «دیدار این ماه» به جنابعالی خوش آمد می گوئیم؛ آرزو داریم به سؤالات این پایگاه پاسخ فرمائید. از اینکه چنین فرصتی را به ما دادید تشکر می کنیم. از خداوند برای جنابعالی توفیق ادامه خدمت به اسلام و مسلمین را مسئلت داریم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

پایگاه اینترنتی چهارده معصوم (ع) - برنامه «دیدار این ماه»

﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾

سلام بر متصدیان و بینندگان پایگاه اینترنتی چهارده معصوم (ع)

پرسشهای شما در رابطه با موضوعات گوناگون واصل شد. از آنجا که پاسخ تفصیلی به آنها مستلزم نگارش کتابی پر حجم است و حال و مجال من با آن مساعد نیست، از اینرو به پاسخهای مختصر اکتفا می کنم:

سؤال ۱- جانشینی شما برای امام خمینی به عنوان رهبر انقلاب اسلامی در ایران یک امر واضح و روشنی بود؛ چه عواملی موجب تغییر مسیر حوادث شد؟

جواب: آنچه برای من اتفاق افتاد هیچ تأثیر منفی در روح من ایجاد نکرد، بلکه خدا را شکر کرده و می کنم که چنین مسئولیت خطیر و سنگینی را از عهده من برداشت؛ پدرم (ره) نیز وقتی خبر فوق را شنید خداوند را حمد و شکر نمود. ولی برای اطلاع از بعضی علل و اسبابی که در پشت این حادثه وجود داشت می توانید به کتاب «خاطرات» در سایت اینجانب، به ویژه فصل دهم آن، تحت عنوان: «غوغای برکناری» مراجعه نمایید.

سؤال ۲- دلیل شما بر نفی ولایت مطلقه فقیه چیست؟

جواب: نفی ولایت مطلقه فقیه دلیل نمی خواهد، زیرا اصل اولی اقتضاء می کند هیچ کس بر دیگری هیچگونه ولایتی نداشته باشد، اثبات چنین ولایتی دلیل قاطع می خواهد، و من دلیل قاطعی برای ولایت مطلقه فقیه از کتاب و سنت و عقل پیدا نکردم.

تفصیل این بحث در کتاب اینجانب «دراسات فی ولایة الفقیه» و نیز در دو جزوه موجود در سایت اینجانب به نام «ولایت فقیه و قانون اساسی» و «حکومت مردمی و قانون اساسی» ذکر شده است.

آری اصل وجود حکومت در جامعه امری است ضروری، و عقل و شرع شرایطی را در حاکم اسلامی و از جمله: فقاہت، عدالت، تدبیر و کاردانی معتبر می‌دانند، که در باب چهارم از جلد اول کتاب فوق مشروحاً ذکر شده است. بدیهی است تحقق چنین حاکمیتی نیاز به بیعت و انتخاب مردم دارد، و بر مردم لازم است کسی را که واجد آن شرایط باشد انتخاب نمایند، همانگونه که فعلیت و تحقق خارجی حاکمیت پیامبر ﷺ و حضرت امیرالمؤمنین  نیز با بیعت مردم عملی گردید. منتهی الامر تعیین مدت و زمان حاکمیت فرد غیر معصوم و نیز حدود اختیارات او هم در ابتدا، و هم در ادامه بستگی به بیعت و انتخاب و رضایت مردم دارد.

خداوند در توصیف مؤمنین در سورۃ شوری می‌فرماید: ﴿وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنِهِمْ﴾ (امور آنان با مشورت بین خودشان انجام می‌شود)، و در سورۃ آل عمران در خطاب به پیامبر خود با مقام عصمتی که داشت می‌فرماید: ﴿وَأَشْاورُهُمْ فِي الْأَمْرِ﴾ (-ای پیامبر- در امور با آنان مشورت کن).

کلمه «امر» در اصطلاح قرآن و سنت بر امور اجتماعی-سیاسی عمومی اطلاق می‌شده است. پیامبر ﷺ نیز با مقام عصمتی که داشت در کارهای مهم اجتماعی با اصحاب خود مشورت می‌نمود و هیچگاه مستبدانه عمل نمی‌کرد. ولایت مطلقه مخصوص خداوند بزرگی است که مالک و خالق همه چیزها است.

(در قرآن می‌خوانیم): ﴿إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ﴾ (سورۃ یوسف، آیه ۶۷) (حاکمیت-بدون قید و شرط-مخصوص خداوند است)؛ و غیر خداوند حتی پیامبران و ائمه معصومین  همگی موظفند اوامر و احکام خدا را اجرا نمایند، و ولایت آنان فقط در محدوده اجرای احکام الهی است. خداوند در سورۃ مائده (آیه ۴۹) خطاب به پیامبر خود می‌فرماید: ﴿وَإِنْ أَحْكَمَ بَيْنَهُمْ يَأْتِزِلُ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَنْ يَفْتَنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ﴾ (-ای پیامبر- حکم و فرمانروائی تو بین مردم باید بر اساس آنچه خداوند نازل کرده است باشد، و از خواسته‌های آنان پیروی نکن و مواظب باش-مخالفین- تو را از اجرای بعضی آنچه خدا بر تو نازل کرده است باز ندارند).

ولایت مطلقه فرد غیر معصوم چه بسا موجب استبداد او در کارها شود، و ممکن است او را به دخالت و اعمال نظر در آنچه اهلش نیست وادارد، که قهراً زیانهای زیادی را برای مردم به دنبال خواهد داشت، و در قانون اساسی اول کلمه «مطلقه» نبود، در تجدیدنظر و بازبینی آن را اضافه نمودند.

محقق بزرگوار مرحوم آیت‌الله العظمی حاج شیخ محمدحسین اصفهانی (طاب ثراه) در حاشیه مکاسب (ص ۲۱۴) می‌فرماید: «فقیه از آن جهت که فقیه است فقط در استنباط احکام شرعی اهل نظر است نه سایر اموری که مربوط است به اداره امور بلاد و حفظ مرزها و تدبیر شئون دفاع و جهاد و امثال اینها؛ پس معنا ندارد که اینگونه امور به فقیه از حیث فقاہت واگذار شود-بلکه باید هر کدام به اهلش واگذار گردد- و علت این که اینگونه امور نیز-علاوه بر تبیین احکام الهی- به امام معصوم محول شده، این است که امام معصوم نزد ما-امامیه- از همه مردم به احکام و اجرائیات و سیاسات عالمتر است، پس نباید او را به دیگران قیاس نمود».

سؤال ۳- سبب اعتراض و انتقاد جنابعالی بر صلاحیت و کارهای ولی فقیه چه بود؟

جواب: اگر نظر شما در این سؤال به سخنرانی من در ۱۳ رجب ۱۴۱۸ است که حمله و قبیح و فجیع به بیت من و محصور نمودن اینجانب در خانه را به دنبال داشت، باید بگویم هدف من از آن سخنرانی جز نصیحت و خیرخواهی و امر به معروف و نهی از منکر و دفاع از مرجعیت شیعه و نظام اسلامی نبود.

مولای ما حضرت امیر  در (خطبه ۲۱۶) نهج البلاغه در خطاب به اصحاب خود فرمودند: «فَلَا تَكُونُوا عَنْ مَقَالَةٍ بِحَقِّ اوْ مَشُورَةٍ بَعْدَ لَفَانِي لَسْتُ فِيْ نَفْسِيْ بِفَوْقِ الْاِخْطَايِ» و لا اُمن ذلك من فعلی الا ان يكفى الله (مبادا درباره من از تذکر و کلام حقی، یا مشاوره عادلانه‌ای دریغ کنید، زیرا من خودم را غیر قابل خطا نمی‌دانم، و اطمینان به خالی بودن کارهایم از خطا ندارم، مگر این که خداوند مرا از خطا و لغزش حفظ نماید).

وقتی شخصیتی مثل حضرت امیر علیه السلام - با مقام عصمت - خود را قابل نقد و نصیحت می‌داند و از آن استقبال می‌کند، بدیهی است که وظیفه همه ما که مدعی پیروی آنحضرت هستیم این است که به روش آن بزرگوار تاسی نماییم و از انتقاد و نصیحت استقبال نماییم. متن سخنرانی فوق در آخر جلد دوم «خاطرات» در سایت اینجانب وجود دارد.

سؤال ۴- حدود اجتهاد سیاسی چیست؟

جواب: تعبیر به اجتهاد سیاسی متعارف و معمول نیست، ولی یک فقیه و مرجع دینی باید از حوادث و مشکلات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی زمان خود در حد قدرت اطلاع داشته باشد تا بتواند احکام کلی آنها را متناسب با زمان از قرآن و سنت استنباط نموده و حق را از باطل جدا نماید. در اصول کافی (ج ۱، ص ۲۷) از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند: «و العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوایس» (کسی که به زمان خود آگاه باشد، حوادث زمان او را غافلگیر نمی‌کند)؛ و خلاصه کلام اینکه بدون شناخت مسائل و امور سیاسی هر زمان، اظهار نظر فقهی در آنها نمی‌توان کرد، زیرا اظهار نظر در هر موضوعی بدون شناخت موضوع و حدود آن صحیح نیست.

سؤال ۵- تعریف تروریسم و نظر دین مقدس اسلام در آن چیست؟

جواب: بدیهی است که دین اسلام دین عقل و منطق است، و هدف آن تسخیر دلهای مردم و هدایت آنان به سوی خداوند می‌باشد، و این معنا با ارعاب و ارهاب محقق نخواهد شد؛ بلکه برعکس، ارعاب و ارهاب موجب تنفر مردم و اختلال نظام اسلامی و سلب امنیت عمومی می‌باشد.

در آیه الکرسی می‌خوانیم: «لا اکراه فی الدین» و در کافی (ج ۷، ص ۳۷۵) از ابی الصباح کنانی نقل شده که گفت: روزی به امام صادق علیه السلام گفتم: من یک همسایه‌ای دارم که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را مورد سب و دشنام قرار می‌دهد، آیا اجازه می‌دهید با او برخوردی کنم؟

حضرت پرسیدند: با او چه برخوردی می‌کنی؟ گفتم: اگر اجازه دهید او را غافلگیر نموده و می‌کشم. حضرت فرمودند: ای اباصباح این ترور است و پیامبر صلی الله علیه و آله از آن نهی نموده است و اسلام مخالف ترور می‌باشد.

و داستان خودداری حضرت مسلم از ترور ابن زیاد در حالی که او به عیادت شریک بن اعمور آمده بود و تمسک آن حضرت به روایت منقول از پیامبر صلی الله علیه و آله که: «الاسلام قید الفتک» (اسلام مخالف ترور است) مشهور و معروف می‌باشد؛ با اینکه اگر ابن زیاد کشته شده بود به حسب ظاهر، اوضاع کوفه به نفع حضرت مسلم و سپس حضرت امام حسین علیه السلام متقلب شده بود. یادآور می‌شوم جهاد در اسلام از مقوله ارهاب و ترور نیست بلکه از مقوله دفاع در برابر تهاجمات و تجاوزات دشمن می‌باشد.

سؤال ۶- مبنای صدور انقلاب که پس از پیروزی انقلاب در ایران مطرح شد چیست؟ و آیا صدور انقلاب از

مقوله ارهاب و تروریسم نیست؟

جواب: صدور انقلاب به معنای تهاجم نظامی به کشورها و کشتن افراد نبود، بلکه مقصود از آن، حمایت‌های فرهنگی، سیاسی و تبلیغاتی از ملت‌های مظلوم و دفاع از آنها برای رسیدن به حقوق اجتماعی و مشروع خودشان بود، و چنین حمایتی از مظلومین، علاوه بر این که مورد تأیید عقل و همه عقلا می‌باشد، مطابق روایت منقول از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز خواهد بود که فرمودند: «من اصبح لایهتم بامور المسلمین فلیس منهم، و من سمع رجلاً ینادی یا للمسلمین فلم یجبه فلیس بمسلم» (کافی، جلد ۲، ص ۱۶۴) (هر کس شب را صبح کند در حالی که به امور و سرنوشت مسلمانان اهمیتی ندهد جزو مسلمانان نیست، و هر کس صدای مظلومی را شنید که از مسلمانان استمداد می‌کند و به او جوابی نداد، کمکی به او نکرد - مسلمان نیست).

سؤال ۷- نظر جنابعالی در مورد عملیات استشهادی که در فلسطین و جنوب لبنان جریان دارد چیست؟
جواب: جهاد به معنای دفاع از نفوس و حقوق اجتماعی و در راه تحقق اهداف الهی امری است که خوبی و لزوم آن مورد تأیید عقل و شرع می باشد، و مصادیق و تاکتیکهای آن برحسب اختلاف زمانها و مکانها مختلف خواهد بود؛ و حضور در صحنه جهاد معمولاً مستلزم نوعی فداکاری و استشهاد می باشد. عملیات استشهادی که در سؤال به آن اشاره شده، دارای اقسام مختلفی است؛ آن قسمی که از مصادیق جهاد در مقابل دشمن متجاوز می باشد قهراً مشمول ادله جهاد اسلامی خواهد بود.

از طرفی باید گفت: مسئول اصلی مصائب در دناکی که بر ملت مظلوم فلسطین و تمام بی گناهان غیر مسلمان در آن منطقه وارد می شود، در درجه نخست سران و مسئولین دولتهای استعماری هستند که یک اقلیت صهیونیست را از گوشه و کنار دنیا در سرزمین مبارک جمع نموده و با اخراج ساکنین و صاحبان اصلی آن سرزمین، یک غده سرطانی بنام اسرائیل در قلب بلاد اسلامی ایجاد کردند و آن را به تمام وسائل روز مجهز نمودند، و در مرتبه بعد، دولتهای اسلامی غیر متعهد می باشند که از منابع عظیم نفت، گاز و دیگر ثروتهای خداداده که در اختیار دارند در دفاع از اسلام عزیز و قدس شریف و حمایت از مظلومین استفاده نمی کنند.

سؤال ۸- برای حل مشکلات جاری جهانی مرحوم امام شیرازی (قدس سره) پیامی اعلام نمودند مبنی بر دعوت همگان بر صلح و دوستی و طرد خشونت و زور، نظر جنابعالی در مورد این دعوت عام چیست؟
جواب: مرحوم آیت الله شیرازی (قدس سره) عالمی مجاهد و دارای بصیرت کافی و حسن سلیقه بودند، ولی اینجانب اطلاعی از پیام مذکور ندارم.

سؤال ۹- چگونه ممکن است ریشه های خشونت که اکنون بر زندگی بشر حاکم است را از بین برد؟
جواب: خشونت در جوامع دارای ریشه های سیاسی، اقتصادی و اعتقادی انحرافی می باشد و تنها راه مبارزه و از بین بردن ریشه های آن بالا بردن سطح فکری و علمی و نشر اخلاق و معنویات در جوامع به خصوص جوانان و نیز رفع فقر عمومی می باشد؛ و در حقیقت دو عامل جهل و فقر ریشه های اصلی خشونت می باشند، و با از بین بردن جهل و فقر و نشر فضائل انسانی توسط وسائل پیشرفته روز، و ایجاد شغل برای تمام فقرا و محرومین ریشه های خشونت از بین خواهد رفت.

سؤال ۱۰- به نظر حضرت تعالی چهار طرح زیر برای حکومت یعنی: ولایت فقیه، شورای فقهاء، شورای مردمی و دموکراسی غربی کدام یک بیشتر به مصالح مردم و کشور نزدیک تر می باشد؟
جواب: در هر چهار طرح فوق آنچه سبب استحکام و استقرار حکومت است همان آراء مردم و رضایت آنان می باشد، زیرا بدون رضایت مردم هر حکومتی متزلزل و ناپایدار خواهد بود. منتهی الامر در جوامع دینی اگر مردم واقعاً معتقد به اسلام و موازین آن باشند، قهراً خواهان اجرای احکام اسلام و ارزشهای آن می باشند؛ و از تتبع در قرآن و سنت ظاهر می شود که احکام اسلام منحصر در امور عبادی و اخلاقی نیست، بلکه در تمام آنچه مربوط به جامعه است اعم از امور سیاسی، جزائی، اقتصادی و نیز حاکمیت و شرایط آن، اسلام به طور کلی دستور و برنامه دارد؛ پس قهراً مردمی که پایبند به کلیت اسلام هستند برای حاکمیت دینی کسانی را انتخاب می نمایند که خبیر و بصیر به قوانین و ارزشهای اسلامی بوده تا جامعه و کشور را بر اساس آن قوانین و ارزشها اداره نمایند؛ و اینجانب از قرآن و سنت و حکم عقل، هشت شرط را برای شخص حاکم استنباط نمودم که مشروح بحث آن در باب چهارم از جلد اول کتاب «دراسات فی ولایة الفقیه» ذکر

شده است؛ این هشت شرط ممکن است در یک فقیه وجود داشته باشند و ممکن است در شورائی از فقهای هر زمان باشند.

حضرت امیر علیه السلام در خطبه ۱۷۳ نهج البلاغه فرموده اند: «ایها الناس ان احق الناس بهذا الامر اقواهم علیه واعلمهم بامر الله فيه» (ای مردم همانا سزاوارترین مردم برای حاکمیت، قوی ترین آنان بر آن و عالمترین آنان به احکام خدا در حاکمیت می باشند).

پس مردم در زمان غیبت این حق را دارند که یک نفر از فقهاء یا تعدادی از آنان را که جامع شرائط ذکر شده هستند را انتخاب نموده و برای حاکمیت آنان زمان معینی و حدود و شرائط خاصی را ضمن بیعت با آنان مقرر کنند، و خودشان به طور مستقیم یا به وسیله احزاب سیاسی متشکل از نخبگان و کارشناسان بر عملکرد حاکمان نظارت داشته باشند. و اگر فرض شود روزگاری مردم از تعبد به موازین اسلامی روی گردانند و حکومت فقیه واجد شرایط را نپذیرفتند کسی حق ندارد با توسل به زور و عنف مردم را به قبول حکومت فقیه مکره سازد؛ بلکه وظیفه در چنین شرایطی تنها ارشاد و نصیحت و تبلیغ اسلام و برخورد ملایم با مردم است به امید اینکه آنها متنبه شوند.

سؤال ۱۱- در افکار مسلمانان عرب و نیز مردم ایران بخاطر عملکردهای ناصحیح بعضی مسئولین در ایران نوعی ملی گرایی - اگر چنین تعبیری درست باشد - دیده می شود، جنابعالی این پدیده را چگونه ارزیابی می کنید؟
جواب: ملت مسلمان ایران با این که برخی کارهای استبدادی و برخی امور خلاف شرع و عقل را از بعضی مسئولین مشاهده می کنند، ولی با این حال هنوز به اسلام و اجرای احکام آن و اقامه قسط و عدل در تمام عرصه ها مقتد و پایبند می باشند، پس مسئولین باید به مصالح مردم و خواسته های آنان فکر کنند و با کارهای ناصحیح و خطاهای خود کاری نکنند که موجب یأس مردم و جدائی کامل آنان از حاکمیت گردند.

سؤال ۱۲- می شنویم سخت گیری های زیادی نسبت به مهاجرین و تبعیدشدگان عراقی به ایران از سوی بعضی نهادها اعمال می شود، علت این سخت گیری ها چیست؟ و چگونه می توان آنها را برطرف نمود؟
جواب: اینجانب بخاطر حصر خانگی که به دنبال سخنرانی رجب ۱۴۱۸ بر من تحمیل شد از بسیاری از اوضاع جاری کشور منقطع شده ام و لذا از تفصیل آنچه بر برادران و خواهران مهاجر و تبعیدشدگان عراقی می گذرد و نیز از اسباب و علل آن ته اطلاعی دارم و نه توان اقدامی، و لذا جز اظهار همدردی و اظهار تأسف از این که نمی توانم خدمتی به آنان بکنم از دستم بر نمی آید؛ و لکن همواره دعا می کنم و از خدای قادر که مسبب الاسباب است می خواهم تا به قدرت خودش همه مشکلات را حل نماید؛ ان شاء الله علی کل شیء قدیر.

سؤال ۱۳ و ۱۴- حضرت تعالی برای اقامه و زنده نگاهداشتن پیام جهانی تشیع و ایجاد تحول متناسب با زمان در آن چه پیشنهادی دارید؟ و با سیاست تهاجمی که تمدن غربی در پیش گرفته است چگونه باید برخورد نمود؟
جواب: شکی نیست که مذهب تشیع بخاطر مبانی محکم اعتقادی و عملی که گرفته شده از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام می باشد مذهبی است غنی که عقل سلیم نیز با آن مساعد است، و لکن متأسفانه چه بسا در اثر مرور زمان و وجود جوهای فکری دیگر، بعض نظریات غیر صحیح که یا بوی غلو می دهد و یا با عقل سلیم مخالف است، در آن نفوذ کرده است، و لذا وظیفه دانشمندان آگاه است که در جدانمودن این آراء فاسد از مذهب، بخصوص در عرصه اعتقادات آن تلاشی همه جانبه انجام دهند تا جاذبه مذهب را برای اهل دانش و فرهنگ سایر ملتها و مذاهب بیشتر نموده، و جوامع پیشرفته جهان به سمت مذهب غنی تشیع گرایش پیدا نمایند. برای انجام این رسالت مهم باید از زبان روز و امکانات و وسائل پیشرفته زمان از قبیل رادیو، تلویزیون و اینترنت حداکثر بهره برداری شود. این یک وظیفه ای است شرعی بر

عهده توانمندان علمی و مالی معتقد به تشیع. خداوند در سوره احزاب آیه ۳۹ می فرماید: ﴿الَّذِينَ يَبْلُغُونَ رَسُولَاتِ اللَّهِ وَ يَخْشَوْنَهُ وَ لَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَ كَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا﴾ (آنهایی که رسالت های الهی را تبلیغ می کنند و فقط از خدا می ترسند و از غیر او نمی ترسند و خداوند برای حسابرسی و پاداش آنان کافی است). پس هر مال و نیرویی که توسط متمسکین علاقه مند در راه اعتلای کلمه الله و نشر مذهب اهل البیت (علیهم السلام) صرف می شود از خداوند مخفی نمی ماند و او به بهترین وجه پاداش کامل آنان را خواهد داد.

سؤال ۱۵- پس از حوادث سپتامبر همواره مسلمانان در معرض اتهام ارباب و تروریسم قرار گرفته اند، برای رهائی از این جو اتهام چه باید کرد؟

جواب: حوادثی که در سپتامبر در آمریکا رخ داد هیچگاه مورد تأیید عقل و شرع نخواهد بود و از بدترین انواع ظلم و جنایت بر انسانیت بود، لذا تمام برادران و خواهران مسلمان در هر کشور و منطقه ای که هستند باید از این حوادث اظهار برائت و تنفر نمایند؛ و لکن بر کسی پوشیده نیست که مرتکبین این جنایت بزرگ روزگاری نه چندان دور تحت حمایت دولت آمریکا قرار داشتند، و از خصصت های دولتهای استعمارگر این است که طبعاً از تکرار حوادث مشابه حادثه سپتامبر ابائی ندارند، و برای نیل به اهداف و سیاست های شیطانی خود نظیر این حادثه را در سایر مناطق دنیا مستقیم یا غیر مستقیم طراحی می کنند. شما ملاحظه کنید اسرائیل که مولود دولتهای استعماری است با حمایت دولت آمریکا در فلسطین چه فجایعی را از قبیل کشتار، تخریب و نابود کردن خانه و کاشانه یک ملت مظلوم مرتکب شده و می شود؟ و مستبیین این فجایع نمی خواهند بفهمند و درک کنند که در نظام هستی هر صدائی و عملی عکس العمل مناسب با آن را به دنبال خواهد داشت.

حضرت امیر علیه السلام در نهج البلاغه (حکمت ۴۷۶) در خطاب به نماینده خود در فارس می فرماید: «استعمل العدل و احذر العسف و الحیف فان العسف يعود بالجلاء، و الحیف يدعو الى السیف» (با مردم به عدالت رفتار کن و از زورگویی و ظلم به آنان پرهیز نما، زیرا زورگویی به مردم منجر به ترک وطن و خانه و کاشانه آنان می شود، و ظلم به آنان موجب سلاح به دست گرفتن و مقابله با حاکمیت خواهد شد).

پس وظیفه عقلاء و آگاهان هر ملتی است که مراقب و ناظر رهبران و مسئولین کشور خود باشند و آنان را از ظلم و زورگویی بر ملت خویش باز دارند، و از حادثه فوق در آمریکا که نتیجه و بازتاب عمل کارگزاران آن در سایر مناطق جهان بود عبرت گیرند.

سؤال ۱۶- وحدتی که بین مسلمانان اعلام و تبلیغ می شود بر چه اساسی می تواند باشد؟

جواب: خداوند در سوره آل عمران آیه ۱۰۳ می فرماید: ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ اِذْ كُنْتُمْ اَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ اخْوَانًا﴾ (همگی به ریسمان الهی چنگ زنید و متفرق نشوید، و بیاد آورید زمانی را که با هم دشمن بودید و خداوند دل های شما را به یکدیگر مهربان نمود، و همگی با هم برادر شدید). اینجانب در گذشته به مناسبت اختلاف شیعه و سنی در میلاد حضرت رسول صلی الله علیه و آله هفته وحدت را اعلام نمودم، و مقصودم این نبود که سنی، شیعه، یا شیعه، سنی شود؛ بلکه مقصود این بود که تمام مذاهب اسلامی در یک جبهه سیاسی و اقتصادی در مقابل دشمنان اسلام و متجاوزین و مستکبرین جهان برای مصالح امت اسلامی تشریک مساعی نمایند. امروز تعداد مسلمانان جهان متجاوز از یک میلیارد و دویست میلیون نفر می باشد، و با اشتراک همگی در اصول اسلام و فرائض مهم و معنویات آن، مالک ثروت و ذخائر بزرگی هستند که سایر ملتها و دولتها به آنها احتیاج دارند، و با اینحال متأسفانه بسیاری از دولتهای اسلامی تحت نفوذ و سیطره بیگانگان قرار گرفته و سران آنها بخاطر جلب رضایت یهود و نصاری از مصالح ملت های خود دفاع نمی کنند. ننگ است برای دول اسلامی که یک اقلیت صهیونیست بر فلسطین مظلوم

و قدس شریف تجاوز نموده و هر روز بی گناهیانی را بکشند، و شهرها و خانه‌های آنان را تخریب نمایند، و روسای کشورهای اسلامی تنها به دادن شعارها و اعلام حمایت‌های لفظی و صادر نمودن بیانی‌ها اکتفا نمایند. بازگشت مجد و عظمت اسلام و مسلمانان تنها در سایه وحدت کلمه و اتحاد عملی مسلمانان و پرهیز از تفرقه و تشتت نیروها خواهد بود.

سؤال ۱۷- محدوده دخالت یک فقیه در سیاست به معنای متعارف آن چه قدر است؟

جواب: وظیفه فقیه از آن جهت که فقیه است و متخصص و کارشناس فقه اسلام می باشد نظارت بر قوانین مصوب و امور اجرایی و قضائی و ملاحظه موافقت آنها با قوانین اسلام و نیز مراقبت بر تأمین حقوق مردم بخصوص اقشار ضعیف می باشد، و اعمال ولایت او تنها در موارد بسیار نادری است که بخاطر تنگناهای قانونی پیش می آید که البته باید به طور موقت و محدود باشد. فقیه نباید در اموری که اهلیت و کارشناسی آن را ندارد دخالت نماید (همانگونه که در کلام مرحوم آیت الله شیخ محمدحسین اصفهانی تصریح شده بود). آنچه موجب یأس مردم و زدگی آنان از حکومت دینی می شود دخالت فقیه یا کارگزاران او در اموری است که اهلش نیستند، و نیز اعمال استبداد در امور مربوط به مردم.

سؤال ۱۸- به نظر حضرتعالی هلت سکوت جهان اسلام نسبت به آنچه در فلسطین اشغالی می گذرد چیست؟ و آیا صرف صدور بیانیه و محکوم نمودن مظالم جاری نفی برای مسلمانانی که گرفتار غارت و سرکوب و فشار قرار گرفته اند دارد؟

جواب: بدیهی است که صرف تشکیل اجتماعات و صادر نمودن بیانیه و محکوم نمودن های شعاری در برابر آنهمه سرکوب و قلع و قمع مسلمانان نفع چندانی ندارد؛ و این قلع و قمع در حالی است که مسلمانان با امکانات مادی و معنوی که خداوند به آنان داده است اگر عملاً متحد و هماهنگ شوند قدرت دفاع از مظلومین در برابر اسرائیل و حامیان آن را خواهند داشت؛ و لکن مع الاسف سران اکثر دول اسلامی به جای جلب رضای خداوند و ترس در برابر او، رضایت قدرتهای ظالم را جلب می کنند و از آنها می ترسند. خداوند در سوره مائده آیه ۵۱ می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ، بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ، وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّ لَهُمْ مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ لَا يَهْدِي الْقَوْمُ الْفَاسِقِينَ، فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَىٰ أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ﴾ (ای مردم مؤمن، یهود و نصاری را دوست خود نگیرید، آنها چنین هستند که برخی از آنها برخی دیگر را دوست می گیرند، و هر کس از شما آنان را دوست گرفت همانا جزو آنان حساب می شود، همانا خداوند ظالمین را هدایت نمی کند؛ و تو - ای پیامبر - افرادی را که روح آنها مریض است مشاهده می کنی که در راه دوستی آنان می شتابند و می گویند: می ترسیم خطری متوجه ما شود).

سؤال ۱۹- آیا تحزب در اسلام وجود دارد؟

جواب: اسلام نه فقط با تحزب مخالف نیست، بلکه آن را مورد ترغیب و تشویق نیز قرار می دهد، و چه بسا اگر عمل به وظائف دینی یا سیاسی متوقف بر تشکیل حزب باشد، تشکیل آن عقلاً از باب مقدمه واجب، واجب می شود. از طرفی، همانگونه که امر به معروف و نهی از منکر در امور جزئی و فردی واجب است، در امور اجتماعی که مربوط به اصلاح جامعه و سوق آن به رشد و کمال است نیز واجب می باشد، و در اینگونه امور امر به معروف و نهی از منکر میسر و عملی نخواهد شد مگر با تجمع اهل فکر و صلاح و تعاون و همکاری منظم با یکدیگر، و آیا حزب چیزی جز این است؟

از طرف دیگر، احزاب مستقل و متشکل از افراد خبره و حق طلب می توانند افراد صالح و شایسته ای را برای ریاست دولت و اعضاء و کارگزاران آن پیشنهاد نمایند تا توسط آرای مردم انتخاب شوند، و نیز می توانند بر عملکرد دولتها و

حکومتها نظارت دائمی داشته باشند و برنامه‌های مفید را به حاکمیت ارائه دهند و جلوی لغزشها و انحرافات و خطاهای آن را بگیرند، و طبعاً نظام اسلامی و دولت آن را مستحکم و قوی گردانند.

بدیهی است در عصر کنونی یعنی عصر توسعه ارتباطات و گستردگی آن و گستردگی جریان‌های سیاسی و عمق آنها، اداره کشور و اصلاح امور آن بدون تعاون و تعاضد و همکاری و همفکری همه اقشار مردم و منتخبان آنها ممکن نخواهد بود.

در صدر اسلام نیز تشکّل قبائل و عشائر مختلف و بستن پیمان و عهدنامه بین آنان، در حقیقت نوعی تحزب سیاسی بود. بنابراین تحزب یک امر جدید و وارد شده از غرب نیست، بلکه امری است که در بین همه عقلا و همه امتها در هر زمانی مقبول و معمول بوده است، هر چند شکل و کیفیت آن بر حسب زمانها و مکانها مختلف خواهد بود.

نکته‌ای که هر حزب سیاسی صالح باید به آن توجه داشته باشد این است که پیوسته مصالح و منافع مردم را باید بر مصالح و منافع حزبی و اشخاص و اعضاء آن مقدم دارد.

سؤال ۲۰- آیا وقت آن نرسیده است که طرح امام شیرازی (ره) یعنی طرح شورای فقهاء و مراجع در شرائط کنونی به مرحله عمل و اجرا درآید؟

جواب: در طرح فوق اگر آنچه از فقیه منتخب انتظار می‌رود فقط همان نظارت بر قوانین مصوّب و جاری کشور در اجرائیات و امور قضائی و مراقبت در جهت عدم مخالفت آنها با احکام اسلام باشد - بدون دخالت فقهاء در اجرائیات و اموری که فقیه تخصصی در آنها ندارد - طرح فوق خوبی است و حتی مطابق با احتیاط نیز می‌باشد، زیرا در این طرح علاوه بر استفاده از نظرات و افکار سایر فقهاء و مراجع، حمایت مقلدین سایر مراجع و فقهاء از نظام اسلامی نیز به دست آمده است، و همین حمایت موجب استحکام نظام در مقابل حوادث و طوفانها خواهد شد.

اما اگر انتظار از فقیه دخالت در تمام امور و قرار گرفتن او در مسئولیت اعلی در امور اجرائی، قضائی و سایر امور مربوطه باشد، در این صورت هر چند وظیفه چنین فقیهی پرهیز از استبداد به رأی خود و لزوم مشورت در تمام امور با اهل خبره، و سپس تصمیم‌گیری می‌باشد، آنگونه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امر خداوند چنین عمل می‌نمودند: «و شاورهم فی الامر فاذا عزم فتوکل علی الله» (ای پیامبر - در امر - حکومت - با مردم مشورت کن پس آنگاه که تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن)، در این صورت که فقیه در رأس تمام ارگانها و امور کشور قرار می‌گیرد تعداد مقام مسئول و شورانی شدن مسئولیت فقهاء موجب تزلزل و اضطراب حاکمیت خواهد شد؛ و در تاریخ نیز سراغ نداریم که در یک زمان در یک منطقه چند نفر - هر چند صالح و شایسته - در رأس امور قرار گرفته باشند. آن که در رأس امور قرار می‌گیرد باید یک نفر باشد و لکن باید با اهل فکر و فقه‌های صاحب نظر مشورت نماید. در کتاب غرر و درر آمدی ج ۲، ص ۸۶، حدیث ۱۹۴۱، از حضرت امیر علیه السلام نقل نموده که فرمودند: «الشركة فی الملک تؤذی الی الاضطراب» (شرکت در حاکمیت منجر به اضطراب و آشفتگی امور می‌شود).

تفصیل این بحث را در جای مناسب خود باید ملاحظه نمود. والحمد لله رب العالمین.

۲۶ ربیع الاول ۱۴۲۳ - ۱۳۸۱/۳/۱۸

قم المقدسه - حسینعلی منتظری

